

سفیر سید الشهداء علیه السلام

مسلم بن عقیل فرزند عقیل بن ابی طالب برادر حضرت علی علیه السلام و مادرش به روایت ابوالفرج "علیه" بود.



مسلم بن عقیل فرزند عقیل بن ابی طالب برادر حضرت علی علیه السلام و مادرش به روایت ابوالفرج "علیه" بود.

زمان تولد حضرت مسلم مشخص نیست، اما بعضی شواهد حاکی است که وی به هنگام شهادت 28 سال داشت و چون در سال 60 هجری به شهادت رسیده است، شاید ولادتش در سال 32 هجری اتفاق افتاده باشد.

حضرت مسلم (ع) در دامان پیر مهر حضرت امیر المؤمنین علی (ع) روزگار کودکی را سپری نمودند و از ایشان کسب فیض و کمالات نمودند به گونه ای که امیر المؤمنین (ع) در بسیاری امور بر این شماگرد به حقیقت اعتماد می نمودند و با شجاعت و قهرمان و کمالات که در او مشاهده نمودند، حضرت مسلم را یکی از کارگزاران خود در حکومت علوی قراردارند.

بعد از شهادت امیر المؤمنین (ع) جناب مسلم (ع) از یاران نزدیک امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بودند.

علامه مجلسی در مورد شجاعت مسلم بن عقیل نوشته است: "مسلم بن عقیل در میان هم سن و سالان خویش به شجاعت و سخاوت مشهور و به کثرت دانش و خرد شناخته شده بود."

وی به دلیل آگاهی سیاسی، درایت کافی، تقوا، دیانت و خویشاوندی نزدیکی که با امام حسین (ع) داشت به عنوان سفیر ایشان انتخاب شد.

محدث قمی می‌نگارد: وقتی فرستادگان و نامه‌های کوفیان از حد گذشت و تعداد نامه‌های آنان به دوازده هزار رسید، امام حسین (ع) در جواب آنان نامه‌ای بدین گونه نوشت: "من برادر، پسرعمو و شخص مورد اعتماد خاندانم، مسلم بن عقیل را به سوی شما فرستادم...". این سخن امام، نشان دهنده اوج احترام آن حضرت به مقام والای مسلم بن عقیل است که عمر پربرکتش را در پیروی از ولایت و استواری دین حق گذراند. همچنین ایشان در وداع خویش با مسلم پیش از سفر به کوفه، در سخنی ژرف به او می فرماید: #171;من تو را به سوی کوفه می فرستم و آنچه را خدا درباره تو دوست می دارد و مورد رضایت اوست، انجام خواهم داد و امیدوارم من و تو در درجه شهیدان قرار گیریم. و سپس او را با قیس بن مسهر صیداوی و ... برای بیعت گرفتن راهی کوفه کرد و مسلم را به تقوا، حسن تدبیر و مدارا مأمور کرد به او فرمود: چنانچه دیدی مردم کوفه درباره بیعت با من متحد بودند، جریان را برایم بنویس.

مسلم بنا به فرمان امام به سمت کوفه حرکت کرد. پس از رسیدن به کوفه مردم، اظهار مسرت و خوشحالی کردند و دسته دسته به حضور آن حضرت آمدند. مسلم نامه امام را برای آنان تلاوت کرد و ایشان با شنیدن مضمون نامه، گریان شدند و با مسلم بیعت کردند.

شهادت مسلم

هجده هزار نفر با مسلم بن عقیل بیعت کردند. بعد از این جریان بود که مسلم برای امام حسین (ع) نوشت من تا کنون از هجده هزار نفر برای شما بیعت گرفته‌ام، چنانچه به این سرزمین بیاید، مناسب است.

چون خبر در کوفه منتشر شد، نعمان بن بشیر که از طرف معاویه و یزید، والی کوفه بود مردم را از ملاقات با مسلم برحذر داشت، ولی مردم به او اعتنایی نکردند.

افرادی چون عبدالله بن مسلم بن ربیع که هوادار بنی امیه بودند، وقتی ضعف نعمان را دیدند، اوضاع کوفه را برای یزید نوشتند و تقاضای والی مقتدری کردند و یزید نیز عبیدالله بن زیاد را برای کوفه در نظر گرفت. ابن زیاد با چهره‌ای ناشناس وارد کوفه شد، به مسجد رفت و به تهدید مخالفین و تطمیع آنان در صورت آرامش و وفاداری پرداخت.

این سیاست به زودی در میان مردم سست ایمان کوفه مؤثر افتاد و فضای کوفه به نفع ابن زیاد تغییر یافت، به گونه‌ای که مسلم بن عقیل تنها ماند.

مسلم بن عقیل در خانه هانی بود. نقش هانی در نهضت، بسیار بود از این رو والی کوفه به فکر دستگیری هانی افتاد تا از این طریق به مسلم بن عقیل هم دسترسی پیدا کند، زیرا می‌دانست تا وقتی هانی، در محل خود مستقر باشد، بازداشت مسلم بن عقیل عملی نیست و نیروهای زیادی که در اختیار و در فرمان هانی هستند، مقاومت و دفاع خواهند کرد. پس باید با نقشه‌ای پای هانی را به دارالاماره بکشد و او را در همان جا زندانی کند تا بین او و مسلم بن عقیل جدایی بیفتد.

هانی به بهانه مریضی پیش عبدالله زیاد نمی‌رفت، تا این که ابن زیاد، چند نفر را در پی او فرستاد و با این بهانه که والی کوفه می‌خواهد تو را ببیند، او را به دارالاماره بردند.

... مسلم بن عقیل در شرایط سخت و دشوار، با وجود بی‌وفایی یاران دیروز، هرگز تسلیم نشد و مردانه و با شهامت تا آخرین رمق، در برابر دشمن استاد و به هنگام یورش دشمن نیز مردانه جنگید، تا آنجا که در اثر جراحات وارده دیگر تاب و توان خویش را از دست داد و به دست افراد مسلح ابن زیاد دستگیر شد.

سپس او را به دارالاماره بردند و به دستور ابن زیاد، سر مطهرش را بر فراز دارالاماره از پیکر جدا کردند و بدین گونه نام مبارکش به عنوان نخستین شهید نهضت خونین اباعبدالله الحسین(ع) در تاریخ به ثبت رسید.